

چکیده

در ادبیات توسعه و برنامه ریزی، "ارزیابی" یکی از ضرورت‌های فرایند برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. بدون انجام این فرایند، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نه تنها کامل نخواهد بود، بلکه پویایی را از تصمیم‌گیری بهینه و فرایند بازخورد توسعه پایدار حذف می‌کند. با توجه به اهمیت موضوع و برای اصلاح طرح‌های آتی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار، ارزیابی بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه آثار این طرح‌ها می‌تواند مثبت یا مطلوب و بالعکس منفی یا نامطلوب باشد، هدف این مقاله ارزیابی آثار طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در بخش‌های مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا می‌باشد تا میزان مؤثر بودن طرح‌ها در توسعه به ویژه از بعد امنیت غذایی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس چنین هدفی فرضیه مقاله عبارت از وجود رابطه معنی‌دار بین طرح‌های اجرا شده کمیته امداد امام خمینی (ره) و امنیت غذایی روستاییان (مددجویان) می‌باشد

* معاون مشاوره و هماهنگی برنامه‌ها، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی و عضو هیات علمی

دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

کمیته امداد امام خمینی (ره)، یکی از نهادهایی است که اقدام به اجرای طرحهای خودکفایی، از جمله طرحهای کشاورزی، خدماتی، صنعتی در روستاها از جمله در ۳۵ روستای شهرستان فسا کرده است. در این مقاله، آثار طرحهای خودکفایی کمیته امداد با توجه به فرضیه مطرح شده با دو شاخص وضعیت الگوی کالاهای مصرفی بادوام، وضعیت الگوی مصرف مواد غذایی (در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحهای خودکفایی) توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان فسا مورد سنجش قرار گرفته است.

روش شناسی مقاله، توصیفی و تحلیلی بوده و با استفاده از شیوه پانل، وضعیت معیشتی مددجویان قبل و بعد از اجرای طرحها مورد بررسی قرار می‌گیرد. تکنیکهای ناپارامتری، از جمله ویلکاکسون، فریدمن، مک نمار، جهت مقایسه مورد استفاده قرار گرفته که نتایج نشان می‌دهند فرضیه با ضریب اطمینان ۰/۹۵ مورد پذیرش است.

مقدمه

اگر برنامه ریزی را یک سیستم در نظر بگیریم، "ارزیابی" از جمله مهمترین اجزای آن است. هرچند این بخش یا به فراموشی سپرده می‌شود و یا زیر سایه مراحل تهیه و تدوین و اجرا قرار می‌گیرد ولی باید اذعان داشت که برنامه‌ریزی بدون ارزیابی کامل نیست. برنامه‌ها فقط زمانی به دانش واقعی ما می‌افزایند و ما را در اجرای برنامه، موفقتر و در تخصیص بهینه منابع کمک می‌کنند که به دقت و به طور پیوسته و از جنبه های گوناگون مورد ارزیابی قرار گیرند. فقط زمانی می‌توان توجیهی برای ادامه کار برنامه‌ریزی داشت که برنامه‌های قبلی مورد ارزیابی قرار گرفته باشند و بر ضرورت ادامه آنها و نشان دادن تاثیرگذاری آنها در امور، استدلال لازم فراهم آورده شود. اگرچه ارزیابی به منظورهای مختلفی صورت می‌گیرد، ولی قبل از هر چیز ارزیابی برنامه عبارت از یک فرایند یادگیری و اصلاح است و از طریق آن می‌توان دریافت که برنامه‌های تدوین شده با چه مسایل و مشکلاتی در تهیه و اجرا مواجه بوده‌اند و تا چه میزان و چگونه اهداف مورد نظر در آنها محقق شده است. به این ترتیب، ضروری به نظر می‌رسد که همزمان با شروع کار طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)، ابعاد ارزیابی طرحها نیز مورد توجه قرار گیرد.

هدف اصلی مقاله عبارت از آن است که آثار طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در توسعه روستایی از بعد افزایش امنیت غذایی بخش‌های مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا را مورد آزمون قرار دهد. در این مقاله برخی از طرح‌های خودکفایی اجرا شده توسط کمیته امداد از جمله طرح‌های دامداری (طرح‌های گاوداری، گوسفنداری)، طرح‌های کشاورزی، طرح‌های خدماتی مانند (مغازه داری، خیاطی، فنی) که در فاصله سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۸ در بخش‌های فوق اجرا شده، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مهمترین سؤال در این ارتباط عبارت از آن است که آیا طرح‌های اجرا شده کمیته امداد امام خمینی (ره) در روستاهای بخش مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا باعث افزایش امنیت غذایی مددجویان شده است یا خیر؟

باتوجه به سوال اصلی، فرضیه زیر مطرح می‌گردد:

۱. بین طرحهای اجرا شده کمیته امداد امام خمینی (ره) و امنیت غذایی روستاییان (مددجویان) رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به هدف سوال اصلی و فرضیه پیش گفته، اهداف دیگر مقاله عبارت است از:

۱. شناسایی مشکلات و تنگناهای موجود در راستای طرحهای اجرا شده توسط کمیته امداد؛
۲. راهنمایی کاربردی جهت مدیران و نهادهای دست اندرکار فقرزدایی و توسعه روستایی؛
۳. استفاده از نتایج حاصله توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمانهای ذیربط جهت اصلاح فرایند برنامه‌ریزی و پویا کردن تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزیها و به هنگام کردن تصمیم‌گیریها.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر، توصیفی و تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و میدانی است. با استفاده از شیوه پانل، وضعیت معیشتی مددجویان قبل و بعد از اجرای طرحها مورد بررسی قرار خواهند گرفت و "تکنیکهای ناپارامتری" از جمله ویلکا کسون، فریدمن، مک‌نمار جهت مقایسه، مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

۲. مبانی نظری

در طول تاریخ امنیت غذایی^۱، از جمله دغدغه‌های اصلی جوامع، مدیران و رهبران مردم‌گرا و برنامه‌ریزان بوده است، به ویژه طی ۵ دهه گذشته، امنیت غذایی همواره، در برنامه‌های توسعه جوامع مطرح بوده است تا جایی که این دغدغه‌ها و تلاش‌ها، به ظهور و پیدایش رویکردها، راهبردها، نظریه‌ها، برنامه‌ریزیها و سیاستهای راهبردی منجر گردید تا بتواند پاسخ لازم و علمی به حل مسأله جهانی و گرسنگی و سوء تغذیه (که در حال حاضر

بیش از ۸۰۰ میلیون نفر از مردم جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه از گرسنگی و سوء تغذیه رنج می‌برند^۲) ارایه دهد.

در واقع، در اهمیت این مقوله (امنیت غذایی) باید گفت علاوه بر تغییر در بینش توسعه که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و منجر به جایگزینی توسعه پایدار به جای مفاهیم قبلی توسعه گردید، امنیت غذایی از جمله موضوعات اصلی در این مفهوم متحول توسعه پایدار، قلمداد شد. تا جایی که دهه ۱۹۹۰، دهه جنگ با فقر نامیده شد و در مفهوم پایداری، تداوم فرصت‌های حیاتی، از بین بردن فقر و مسکنت مدنظر قرار گرفت. زیرا ادامه محرومیت انسانی نمی‌توانست هدف باشد، همچنین، در متون توسعه پایدار به این نکته تاکید شد که توسعه گران، برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیران و دولت‌ها حق ندارند قشرهایی وسیعی از مردم را که به اصطلاح "بی نصیب" نامیده می‌شوند و هم اکنون نیز در قید حیات هستند از توجهی که تمایل دارند به نسل‌های آینده معطوف کنند، محروم سازند. در واقع، از این زاویه به مسأله نگریسته شد که اگر قرار است مفهوم توسعه پایدار معنایی واقعی داشته باشد، لازم است تا رابطه نزدیک میان فقر و پایداری، به دقت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد^۳ و قشرهای خیلی فقیر که در تلاش برای بقای روز به روزند و غالباً منابع لازم برای اجتناب از به انحطاط کشاندن محیط زیست را در اختیار ندارند، لذا آنچه در این جوامع در معرض خطر قرار دارد نه کیفیت زندگی، که خود زندگی است که باید مورد توجه قرار گیرد^۴ (مدل ۱).

2. F.A.O. (1997), Rural Women & Food Security Situation & perspectives, Rome, Italy, F.A.O, P, 1.

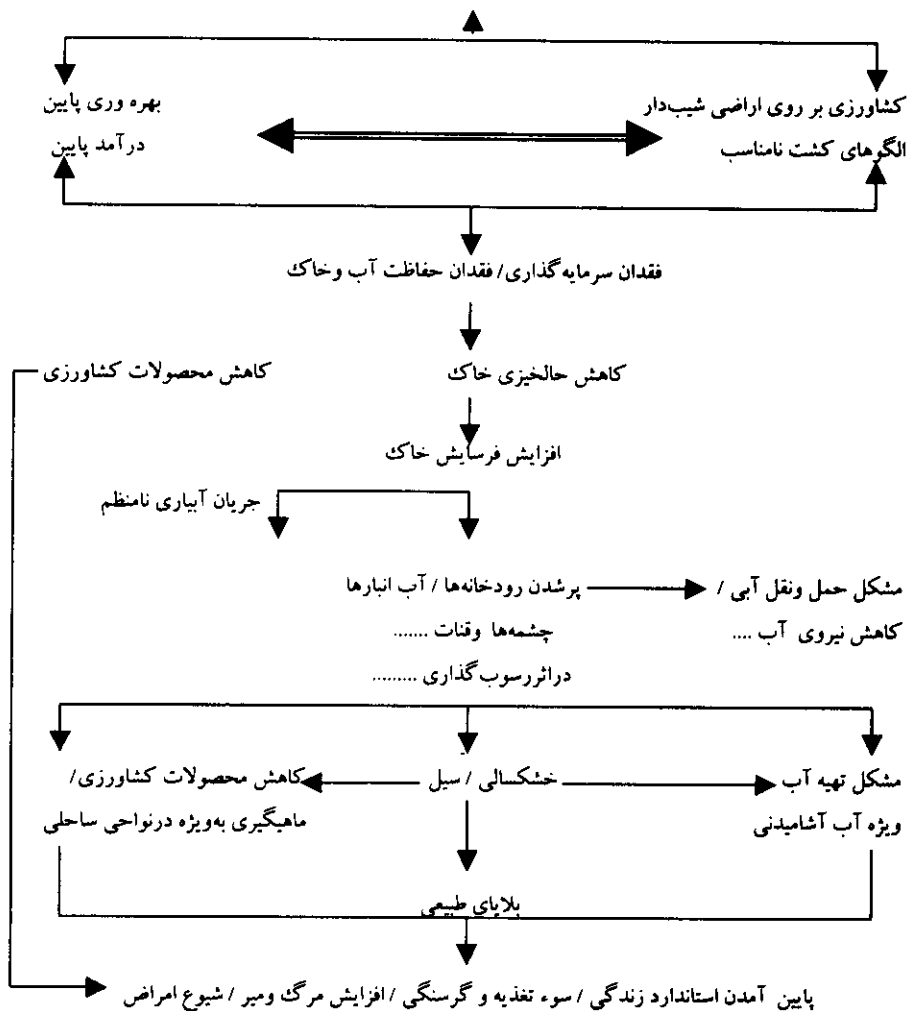
۳. جینفر، آ.الوت، مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: عبدالرضا رکن‌الدین

افتخاری و حسین رحیمی، تهران: انتشارات توسعه روستایی، ۱۳۷۸، صص ۱۷-۷

4. Simon Maxwell, (1996) "Food Security : A Post-Modern Perspective Food Policy, Vol, 21, No2, PP, 165-70; UNDP. (1996). "Urban Agriculture , Food, Jobs & Sustainable Cities." USA, UNDP. Volume one. P.160.

مدل ۱- رابطه توسعه پایدار و فقر و امنیت غذایی در روستا

رشد جمعیت / عدم اشتغال / بیکاری در روستا / فقر / از بین رفتن تجربه های پایدار سنتی



ماخذ Dvid pearce, Edward Barbier, opcit, P, 70

در واقع، این نکته مورد وفاق عمومی قرار گرفت که امروز فقرا درگیر وضعیتهای اضطراری ولی مسکوت مانند آب آشامیدنی آلوده و خاک به تحلیل رفته هستند که معیشتشان را تهدید می‌کند و تا زمانی که مسایل مرتبط با فقر حل نشده است، پایداری زیست محیطی را نمی‌توان تضمین کرد.

از طرف دیگر در توسعه پایدار، توزیع منابع به فقرا با رویکرد وضعیت بهداشتی، آموزشی و غذایی آنها، تنها به این دلیل نیست که تواناییهای آنها از جهت ادامه حیات مفید و راضی کننده گسترش یابد، بلکه این امر ذاتاً دارای اهمیت بوده و چنین اقدامی، به دلیل افزایش سرمایه انسانی آنها، تأثیر پایداری نیز بر آینده خواهد داشت.

از بعد ثبات سیاسی نیز، فقر و نبود امنیت غذایی، خطری است که همبستگی اجتماعی و سلامتی محیط زیست را تهدید می‌کند و بدین گونه در راهبردهای معطوف به کاهش فقر و ایجاد امنیت غذایی که همه جنبه‌های سیاست‌گذاری ملی را دربر می‌گیرد، مورد تأکید است. تا جایی که جوهر و آزمون راهبردهای معطوف به توسعه انسانی پایدار به همان تأمین معیشتی پایدار برای همه افراد تلقی می‌شود و بر سه مضمون اصلی یعنی کاهش میزان فقر، ایجاد اشتغال و یکپارچگی اجتماعی و مشارکت تأکید می‌شود. در این بعد از سطح ملی، چارچوبهای قانونی و مقرراتی که تدارک آنها به عهده دولت است، مورد توجه قرار می‌گیرد و سرمایه‌گذارهای معطوف به گسترش تواناییهای همه مردم و تدارک تور ایمنی غذایی، اجتماعی و اقتصادی برای افرادی که از دسترسی برابر به بازارها محرومند، ایجاد می‌گردد.^۵

از بعد امنیت انسانی، نگرانیهای مرتبط با زندگی روزمره به ویژه ایمنی از خطر دائمی گرسنگی که بعد اقتصادی و اجتماعی امنیت انسانی است، در توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد که نوعی پشتیبانی از فرایندهای معطوف به یکپارچگی اجتماعی بشمار می‌رود و

۵. جینفر، آلیوت، مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، پیشین، ص ص ۱۰۴-۸۱

اقدامات ملی در این زمینه که دربرگیرنده دو بعد توسعه پیشگیرانه و توسعه درمانی است، می‌تواند به حل بحران از هم‌پاشیدگی اجتماعی کمک نماید.

با توجه به این ابعاد از اهمیت امنیت غذایی در تحول مفهوم توسعه به ویژه توسعه پایدار و توسعه پایدار انسانی، این مسأله کاملاً روشن می‌شود که تجدید ساختار در الگوهای توزیع درآمد، تولید و مصرف، پیش‌شرط لازمی برای اتخاذ هرگونه راهبرد ماندگار برای توسعه پایدار انسانی است. یعنی در این نوع نگرش به توسعه، مردم در کانون و مرکز آن قرار می‌گیرند و به طور عمیق این مطلب خاطرنشان می‌گردد که همه مردم باید به فرصتهای توسعه از جمله غذای کافی، دسترسی داشته باشند، این دسترسی‌ها که نوعی دلمشغولی همگانی است می‌تواند از رهگذر تلفیق تلاش فردی و اجتماعی و پشتیبانی نهادی، مؤثر واقع شود. یعنی ابتکارهای فردی و اجتماعی توأم با سیاست عمومی عاقلانه و با سازمانهای اجتماعی مبتنی بر مشارکت مردم، امکان‌پذیر است.^۶

در اینجا، سیاستهای عمومی و سازمانهای مردمی نقش مهمی می‌توانند ایفا نمایند. اصولاً، سیاستهای اجتماعی از طریق رفع تبعیض، افزایش امکانات، مهارت، گسترش فرصتهای اشتغال و حفاظت از ابتکار و کارآفرینی فردی و اجتماعی، در آنچه مردم به دست می‌آورند، تأثیری قاطع دارد. بدین نحو که در چارچوب یک الگوی مبتنی بر توسعه انسانی پایدار، افراد و نهادها در جهت تحقق آرمان مشترک، با یکدیگر متحد می‌شوند و اساس یک جامعه مدنی را که در آن دولت خود را پاسخگوی مردم می‌داند، پایدار می‌سازند.^۷

6. Joachim Von Braun, (1997), 'Food Security for All by the Year 2020', Agriculture Rural Development, Volum4, No2, P,14.

7. Graham Eele, Roger Hay & Pohn Hoddinet, (1993), 'Household Food Security & Nutrition,' The International Bank for Reconstruction & Development, PP,169-60

سرانجام باید گفت برای ایجاد امنیت غذایی، تحول در راهبردهای سیاستی و افراد و نهادها و در یک مفهوم، مدیریت یک ضرورت است.

۲-۱. سیاست‌های امنیت غذایی

بررسی متون امنیت غذایی نشان می‌دهد که سیاست‌های امنیت غذایی نیز مانند توسعه، دچار تحول شده است تا جایی که سیاست‌های جدید تکنولوژی محور دهه‌های ۱۹۶۰، جای خود را به سیاست‌های رشد و بهره‌وری، افزایش بهره‌وری مزرعه، گسترش " افقی" زمینهای کشاورزی و خودکفایی در محصولات غذایی در دهه‌های ۸۰ و ۱۹۷۰ داد. اما این سیاست ها نتوانست چشم‌انداز رضایت‌بخشی از افزایش ضریب امنیت غذایی، کاهش فقر و را به وجود آورد به طوری که آمار نشان می‌دهد در دهه ۱۹۸۰، روند خودکفایی در محصولات غذایی کند و نرخ بهره‌وری مزرعه کاهش یافت (جدول ۱).

جدول ۱- مقایسه روند خودکفایی در محصولات غذایی در دوره‌های ۱۹۶۵-۶۷ و ۱۹۸۶-۸۸

| مناطق | نرخ خودکفایی غذایی در دوره ۱۹۶۵-۶۷ | نرخ خودکفایی غذایی در دوره ۱۹۸۶-۸۸ |
|---------------------------|------------------------------------|------------------------------------|
| آسیا | ۹۶ | ۹۷ |
| آسیا به استثنای چین و هند | ۹۹ | ۹۴ |
| صحرای آفریقایی | ۹۸ | ۹۳ |
| شرق نزدیک و آفریقای شمالی | ۹۲ | ۷۶ |
| آمریکای لاتین و اقیانوسیه | ۱۱۲ | ۹۳ |
| کل ۱۱۴ کشور | ۹۸ | ۹۵ |
| کشورهای کمتر توسعه یافته | ۱۰۰ | ۹۵ |

ماخذ: ایفاد، وضعیت فقر روستایی در جهان، ۱۹۹۴، ص ۴

این روند موجب گردید که در دهه ۱۹۹۰، برای چشم انداز امنیت غذایی در اجلاس امنیت غذایی جهانی (WFS)، شش موضوع که دغدغه های اصلی را تشکیل می داد، مورد چالش جدی قرار گیرند که عبارت است^۸ از:

۱. فروسایبی و تخریب زمین و کمبود آب
۲. نبود آمادگی برای ذخایر بزرگ مقیاس
۳. خطر تداوم، وابستگی به واردات غذایی به منظور ایجاد ثبات در عرضه
۴. نگرانی از نظام بازارهای غذایی (پراکنش، عقب ماندگی تکنولوژی در اغلب کشورهای جهان سوم و فقدان رقابت...)
۵. نبود دسترسی همیشگی و دائمی به غذا توسط گروههای آسیب پذیر
۶. گسترش سوء تغذیه و سلامتی

در این اجلاس، علاوه بر چالش های جدی ششگانه، از موارد زیر به عنوان موانع اصلی امنیت غذایی نام برده شد که عبارت اند^۹ از:

۱. نبود یک سیاست جامع و برنامه راهبردی در مورد زیربنای کشاورزی به ویژه آبیاری، جاده ها، خدمات پس از برداشت
۲. کاهش بهره وری زمین در نتیجه فرسایش، شوری خاک و کاهش منابع آب
۳. مناسب و کافی نبودن تلاشهای تحقیقاتی و ترویجی
۴. کوچک بودن و پراکنش زمینهای کشاورزی
۵. کمبود و ناکارایی نیروی کار در برخی کشورها و افزایش بیش از حد نیروی کار در برخی دیگر
۶. رشد بالای جمعیت

8.T.C. Ti; (1998), "Trends in Food Security & Follow-up to the World Food Summit in Asia & The Pacific, F.A.O, PP. 7-17

9. Ibid

سرانجام پس از بحث و بررسی در مورد دغدغه های اصلی و موانع اصلی امنیت غذایی، با دو نوع رویکرد مشارکتی و معکوس کردن جریان سرمایه به سوی کشاورزی پایدار و توسعه پایدار روستایی، اقدامات زیر برای رفع موانع به عنوان سیاست های اصلی مورد تاکید قرار گرفت:^{۱۰}

۱. افزایش حمایت دولتها در زمینه زیربناها، تولید و امکانات و خدمات پشتیبانی پس از برداشت
۲. سرمایه گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه
۳. کاهش ضایعات پس از برداشت از طریق سازگاری تکنیک های جدید و امکانات برای برداشت، انبارداری، نگهداری و ذخیره سازی و بازاریابی
۴. حمایت از ایجاد و توسعه صنایع روستایی به منظور ایجاد اشتغال، فرصتهای درآمدی برای جمعیت روستایی
۵. اجرای برنامه های حمایت زیست محیطی برای اطمینان بخشی از تداوم توسعه پایدار
۶. بازسازی و مدرنیزه کردن توزیع و ذخیره سازی

به دنبال این نشست ها، سازمان ملل نیز به تقویت صندوق های توسعه خود به ویژه برنامه جهانی غذا (WEP) و صندوق جهانی توسعه کشاورزی (IFAD) پرداخت و هر ساله با برپایی اجلاس، منابع قابل توجهی را در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار می دهند و طرحهایی را در ارتباط با مسایل کشاورزی و امنیت غذایی به مورد اجرا می گذارند. به علاوه، سایر سازمانهای بین المللی و منطقه ای از جمله بیست و چهارمین کنفرانس منطقه ای فائو برای کشورهای آسیایی و اقیانوس آرام که در سال ۱۹۹۸ تشکیل شد، پیشنهادات زیر را برای بالابردن امنیت غذایی مطرح ساخت که عبارت است^{۱۱} از:

10. Ibid

11. Ibid

۱. ایجاد یک عزم ملی برای تخصیص منابع پایدار برای کشاورزی و امنیت غذایی
۲. تایید و حمایت F.A.O از برنامه‌های خاص امنیت غذایی کشورها و هدایت و شکل دادن طرح های غذایی.
۳. حمایت و کمک F.A.O به کشورهایی که از پدیده ناشی از ال نینو و سایر آفت های طبیعی ضرر دیده و با کاهش ضریب امنیت روبرو هستند.
۴. حمایت و کمک F.A.O از برنامه‌های کاهش ضایعات مواد غذایی پس از برداشت
۵. حمایت کلیدی از حوضه‌های آبریز به لحاظ وجود ارتباط قوی میان مدیریت پایدار جنگل و امنیت غذایی
۶. تقویت نقش زنان در بالابردن ضریب امنیت غذایی

این اهداف و سیاست ها در سمینار امنیت غذایی که در سال ۱۹۹۸ در سازمان بهره‌وری آسیا که در ژاپن تشکیل شد نیز مورد تاکید قرار گرفت تا جایی که در این سمینار، کاهش تعداد افراد دارای سوء تغذیه از ۸۰۰ میلیون نفر به نصف آن (۴۰۰ میلیون نفر) تا سال ۲۰۱۵، به عنوان هدف اصلی مورد تاکید قرار گرفت و بر اقدامات عملی زیر به عنوان دستور کار متخصصین و کشورهای شرکت کننده تاکید شد:

۱. اطمینان بخشی از تواناسازی محیط‌های اقتصادی و اجتماعی
۲. اجرای سیاستهای کاهش فقر و بهبود دسترسی به غذا
۳. تاکید بر سیاستهای غذایی پایدار
۴. حرکت به سوی تنظیم سیاستهای تجاری سازگار با امنیت غذایی
۵. کاهش آفات و امراض طبیعی
۶. حرکت به سوی سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی برای امنیت غذایی پایدار
۷. حرکت از برنامه تا عمل

در سیاست حرکت از برنامه تا عمل، به ایجاد گروه ملی امنیت جهانی غذا (WFS) و پی‌گیری مسایل آن، افزایش آگاهی‌های عمومی از طریق رسانه‌های جمعی، برپایی همایش‌ها، گسترش اطلاعات، انتشار و پخش آن، بازنگری در سیاستها و برنامه‌های ملی امنیت غذایی و شکل‌بندی و تقویت و گسترش برنامه‌های عملی ملی برای امنیت غذایی تاکید گردید. جدول (۲)، سیاست‌های امنیت غذایی را در ۱۲ کشور آسیایی نشان می‌دهد.

جدول ۲- سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی امنیت غذایی در کشورهای منتخب

| اهداف برنامه | سیاست و برنامه | نام کشور | ردیف |
|--|--|----------|------|
| <ul style="list-style-type: none"> - تشویق کشاورزان به کشت گونه‌های سنتی برنج متناسب با شرایط اقلیمی - حمایت مالی از تحقیقات به ویژه کنترل امراض، مدیریت نگهداری، تکنولوژی غذایی، مدیریت محیطی و سازماندهی کشاورزی ارگانیک - سازماندهی مدیریت زمین و منابع آب - سازماندهی خدمات نگهداری به ویژه قرنطینه - توسعه منابع انسانی - توجه و تأکید بر ترویج | ایجاد سازمان توسعه کالایی (CDF) | فوجی | ۱ |
| <ul style="list-style-type: none"> - برخورداری خانوارهای فقیر از غلات (گندم و برنج) با نرخ یارانه‌ای خاص - ایجاد اشتغال - برنامه تغذیه و تامین گندم و برنج به افراد فقیر - فراهم کردن نهاده‌های یارانه‌ای برای واحدهای بهره‌برداري کشاورزی کوچک مقیاس - فراهم کردن ماشین آلات کشاورزی، حمل و نقل - فروشگاههای کوچک بازرگانی | ۱. برنامه نظام توزیع عمومی هدفمند (TPDS) ۲. برنامه توسعه یکپارچه روستایی (IRDP) | هندوستان | ۲ |

ماخذ:

1 . Fiuwaki Waqalala, (1998), Food Security; Japan. PP. 14-25

2 . R. Srinivasan, (1998), Food Security in India; India, Planning Commincssion, PP, 9-18

ادامه جدول ۲

| اهداف برنامه | سیاست و برنامه | نام کشور | ردیف |
|---|---|-----------|------|
| <p>- خودکفایی در تولید برنج</p> <p>- تامین اشتغال</p> <p>- تامین غذا</p> <p>- تامین مواد اولیه صنعت</p> <p>- تامین درآمد و منابع برای خودکفایی در برنج:</p> <p>ایجاد هماهنگی و یکپارچگی سیاسی میان دولت و رهبران محلی</p> <p>- نگرش اندام وار به زیر بخشهای فرایند تولید برنج</p> <p>- ایجاد و گسترش نهاده‌های تسهیل‌کننده (پشتیبانی، خدماتی) مراکز کوشک (خانه‌های تابستانی کشاورزی)</p> <p>مشوقها و اقدامات انگیزشی برای مشارکت فعال مردم در افزایش تولید برنج</p> <p>- بهبود کیفیت منابع</p> <p>- افزایش خوداتکایی</p> <p>- توسعه کشاورزی تجاری، صنعتی</p> <p>- امنیت غذایی در سطح خانوارها:</p> <p>حفظ خودکفایی غذایی</p> <p>افزایش اثربخشی و کارایی نظام توزیع غذا</p> <p>افزایش قدرت خرید</p> <p>افزایش ظرفیت تامین غذا</p> <p>افزایش دانش تغذیه‌ای مردم</p> | <p>۱. کشاورزی محوری در اولین دوره درازمدت برنامه توسعه (۱۹۹۳-۱۹۷۹) با رویکرد تولید محوری</p> <p>Production-Oriented Approach (Poa)</p> <p>۲. کشاورزی محوری در برنامه پنج ساله توسعه (۹۸-۱۹۹۴) با رویکرد کشاورزی تجاری یکپارچه مبتنی بر منابع</p> <p>Resource-Based Intergrated Agribusiness Oriented Approach</p> | اندونزی | ۳ |
| <p>- استمرار سیاست ثبات قیمت‌ها در محصولات غذایی</p> <p>- گسترش اندازه مرزعه و واحدهای بهره‌بردار کشاورزی و با یکپارچه سازی اراضی</p> <p>- گسترش نیروی کار جوان در بهره‌برداری‌های کشاورزی</p> <p>- بهبود تولید از طریق همسازی با محیط (مزارع)</p> | <p>برنامه خودکفایی محصولات غذایی در چارچوب راهبرد صنعتی شدن</p> | کره جنوبی | ۴ |

3. Zulkigli Ali, (1998): The Situation of Food Security in Inodesia, Japan, : Tlkyo, PP, 8-13

4. Gyu-Cheonlee, (1998). "Issues on Food Security in Korea, Korea, Soul, Korea: Rural Economic Institute, PP. 9-13

ادامه جدول ۲

| اهداف برنامه | سیاست و برنامه | نام کشور | ردیف |
|--|---|----------|------|
| <p>تاکید بر خودکفایی برنج از طریق برنامه سازماندهی مدیریت مزرعه (زهکشی، آبیاری و ...)</p> <p>تاکید بر خودکفایی برنج یا برنامه Level (S-SIL) Self Sufficient</p> <p>گسترش فعالیتهای تحقیق و توسعه (R&D) برای بهبود کیفیت محصولات غذایی محلی از جمله برنج</p> <p>گسترش تکنولوژی جدید در دامداری، مدیریت مزرعه، انبارداری حمل و نقل</p> <p>تاکید بر مدیریت خدمات پس از برداشت کاهش ضایعات</p> <p>افزایش حمایتهای دولتی از تولید غذا از جمله افزایش یارانه تولیدی محصولات غذایی به ویژه برنج</p> | <p>۱. برنامه غذایی از دهه ۱۹۵۷ و در چارچوب اولین سیاست ملی کشاورزی (National Agriculture Policy)</p> <p>۲. دومین برنامه و سیاست ملی کشاورزی از سال ۱۹۹۲</p> | مالزی | ۵ |
| <p>بهبود زیربناها، نهادهها</p> <p>تشکیل سازمان تعاونی مواد غذایی نپال (NFC) برای تامین، حمل و نقل، و نگهداری، انبارداری و توزیع مواد در سطح ملی</p> | برنامه چشم انداز تولید و توزیع | نپال | ۶ |
| <p>در بخش عمومی گسترش زیربناها و ثبات قیمتها</p> <p>در بخش خصوصی، تشویق تولید، سرمایه گذاری در نهادهها، حمل و نقل توزیع اولویتها:</p> <p>بهبود فرایند زیربناهای روستایی از جمله گسترش</p> | <p>برنامه امنیت غذایی جامع مبتنی بر همکاری متقابل بخش عمومی و خصوصی با تاکید بر نواحی مستعد</p> | پاکستان | ۷ |

5. Fadzim Othman, (1998) "Food Security in Malaysia" Malaysia, Kualaumpur, University of Malaya, PP.9-18

6. P.K. Acharyq, (1998) "Food Security in Nepal; Naped, Ministry of Supplies & Food Corporation, PP, 8-12-9"

7. Muhammad Azam Khan, (1998), Foods Security in Pakistan; Pakistan, Rawalpindi; Universtiy of Arid Agriclture, PP. 8-34.

ادامه جدول ۲

| اهداف برنامه | سیاست و برنامه | نام کشور | ردیف |
|--|---|-----------|------|
| بازارها، راه، برق و بهداشت، آموزش - برنامه فرایند صنعتی شدن روستاها با تاکید بر صنایع کوچک برای ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و درآمد - نوسازی کشاورزی با تاکید بر افزایش راندمان آب، تولید، تکنولوژی و ... - توجه ویژه به افزایش بهره‌وری واحدهای بهره‌برداری کوچک در نواحی خشک - بهبود نظام بازاریابی کشاورزی - تشویق بخش خصوصی در تولید محصولات باغی، دامداری و پردازش آنها - تنظیم برنامه جامع زیست محیطی | | | |
| - بهبود بخشی به ذخیره مواد غذایی - سازماندهی خدمات پشتیبانی استراتژیک از طریق ایجاد گروه اجرایی و فنی برای امنیت غذایی و توسعه پایدار (IWG&TWG) | برنامه ملی افزایش پایدار تولید داخلی مبتنی بر راهبرد اساسی ثبات قیمت‌ها، قیمت‌های حمایتی، ذخیره‌سازی و توزیع مواد غذایی | فیلیپین | ۸ |
| سازماندهی خدمات پشتیبانی در برگیرنده: تامین زمین، بذر، کود، بهسازی آبیاری، تحقیق و ترویج سیاست‌های پولی و مالی و تجاری: تسهیل اعتبار و تشویق مشوق‌های مالی انگیزشی برای بخش خصوصی به ویژه بازرگانی | برنامه خدمات پشتیبانی و سیاست‌های پولی، مالی و تجاری برای امنیت غذایی با جهت‌گیری کشاورزی بزرگ در مقیاس تجاری | سری‌لانکا | ۹ |
| - تاکید بر مدیریت خدمات پس از برداشت برای کاهش ضایعات بالا، بدون کیفیت تغذیه‌ای مواد غذایی و غذای سالم | اولویت بخش کشاورزی در برنامه استراتژیک ملی | تایلند | ۱۰ |

8 . Jessupp. Navarro, (1998), Food Security Policies in the Philippines, Japan, Tokyo; PP, 1-18

9. Nandoni D. Ediriweera, (1998), Food Security Situation in Srilanka, Ceylon Institute of Scientific & Industrial Research, PP, 24-30.

10 . Waranee Varanyanod, (1998) Thailand: The Food Security Challenge, Thailand, Bangkok, Kastsart University, PP, 4-16.

ادامه جدول ۲

| اهداف برنامه | سیاست و برنامه | نام کشور | ردیف |
|--|---|----------|------|
| <p>- تاکید بر گسترش ظرفیت تولید مواد غذایی، فراوری و حفاظت و توزیع مواد غذایی</p> <p>- تاکید بر فرایند خودکفایی در روستاها از طریق سازمانهای روستایی. مشارکت مردم در تصمیم گیریهای تولید و بازاریابی</p> | | | |
| <p>- تاکید بر بهبود مدیریت کشاورزی از طریق بهبود فرایند تولید. توزیع. حمل و نقل</p> <p>- تاکید بر تمرکززدایی و سیاستها و برنامه های محلی</p> <p>- تاکید بر جهت گیری افزایش تولید و حفظ و ذخیره سازی و نگهداری</p> <p>- ایجاد کمیسیون امنیت غذایی</p> | <p>برنامه توسعه پایدار امنیت غذایی در چارچوب سیاستهای مالی، کشاورزی و .</p> | ویتنام | ۱۱ |
| <p>- سازماندهی مدیریت مزارع با تاکید بر یکپارچه سازی اراضی</p> <p>- ایجاد مراکز بازارهای عمده فروشی Ota (۱۱) مرکز در سال ۱۹۷۱) برای ایفای نقش.</p> <p>- جمع آوری گسترده انواع محصولات کشاورزی از سراسر کشور</p> <p>- قیمت گذاری از طریق مزایده و حراج</p> <p>- کارا کردن توزیع خرده فروشها و واسطه ها</p> <p>- سرشماری سکونتگاهها</p> <p>- اطلاع یابی به ویژه در زمینه قیمت، حجم و میزان معادلات در بازار</p> <p>- معاینه و بازرسی بهداشتی مستمر</p> | <p>برنامه ویژه خودکفایی در محصولات غذایی به ویژه برنج در کنار راهبرد توسعه صادرات</p> | ژاپن | ۱۲ |

11. Tran Dinh Hien (1998), Food Security in Vietnam, Vietnam, Central Economic Commission, PP. 2-17.

12. Mitsuhiro Nakagaw (1980), Prospects for Improved Food Pooduction& Distribution, Tokyo, Departement of Foreign Agriculture Natonal Research of Agriculture Economics, PP-1-10

بدین ترتیب باید گفت که متون امنیت غذایی نشان می‌دهند که سیاست‌های ملی امنیت غذایی به اصول چهارگانه زیر تاکید دارد:

۱. تولید؛ تشویق و حمایت از تولید و فرهنگ تولید برای رسیدن به خودکفایی غذایی
۲. درآمد؛ افزایش درآمد بهره‌برداران و مزرعه از طریق بهبود بهره‌وری و برای سایر مردم از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های غیر کشاورزی
۳. ثبات قیمت؛ فراهم کردن عرضه کافی غذا در زمان و مکان مناسب و به قیمت مناسب
۴. تغذیه؛ بهبود کیفیت تولید غذا و فرهنگ مصرف غذا

چنین سیاست‌هایی، راهبردهای اصلی را برای دستیابی به امنیت غذایی پایدار ترسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. حفظ خودکفایی محصولات غذایی
۲. افزایش کارایی و ثمربخشی سیستم توزیع غذا
۳. افزایش قدرت خرید مردم
۴. افزایش ظرفیت تامین (عرضه) غذا
۵. افزایش دانش مردم نسبت به غذا و تغذیه

جمع بندی حاصل از سیاست‌ها، رویکردها و راهبردهای اصلی امنیت غذایی پایدار، این نتیجه را به دست می‌دهد که حل این معضل جهانی و این دغدغه اصلی انسان امروز، مستلزم داشتن یک نگرش اندام‌وار است که دارای چهار نظام فرعی تولید، تکنولوژی، بازاریابی و توزیع و مصرف و تغذیه است. این نگرش اندام‌وار که مبتنی بر اندیشه آینده‌نگری است، وجود یک برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت تغییر را که از عوامل موثر در ایجاد حرکت، سرعت‌بخشی، نهادینه کردن و اقدام عملی به شمار می‌رود، ضروری

می‌داند. این مقاله درصدد است با این نگرش، بررسی نماید که کمیته امداد امام خمینی (ره) به عنوان یک نهاد حمایتی از ظرفیت لازم برای تاثیرگذاری در امنیت غذایی در روستاها برخوردار بوده است یا خیر.

۳. معرفی اجمالی ناحیه مورد مطالعه

شهرستان فسا از جمله شهرهای قدیمی ایران می‌باشد که در متون تاریخی به اسامی باشه، بسا، پسا، پارساگرد و ... از آن یاد شده است.^{۱۲} این شهرستان تقریباً در مرکز استان فارس واقع شده و مرکز آن شهر فسا است. این شهرستان دارای سه شهر به نامهای زاهدشهر و ششده و قره‌بلاغ و فسا است. همچنین، شهرستان فسا دارای چهار بخش و هشت دهستان و ۱۹۲ روستای دارای سکنه و ۱۹۸ آبادی خالی از سکنه است. در آبان ۱۳۷۵، جمعیت شهرستان ۱۸۳۸۱۸ نفر بوده است. از این تعداد، ۹۸۲۸۰ نفر ساکن در نقاط شهری و ۸۳۷۸۰ نفر ساکن در نقاط روستایی و بقیه غیرساکن بوده‌اند.^{۱۳}

با لحاظ مبانی نظریه‌ای و ساختار اجتماعی - اقتصادی و اکولوژی منطقه مورد مطالعه، این قسمت به بررسی سوال و فرضیه مطرح شده با استفاده از وضعیت الگوی کالاهای مصرفی بادوام و الگوی مصرفی مواد غذایی مددجویان (دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح‌های خود کفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)) در ۳۵ روستای بخش‌های مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا پرداخته می‌شود.

۴. روش نمونه‌گیری

در این مقاله، جامعه آماری مورد مطالعه خانوارهای روستایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) در واحد خودکفایی بخش‌های مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا می‌باشد

۱۲. میرزا حسن حسین فسایی، فارسنامه فارسی، ترجمه: منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷

۱۳. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج تفصیلی، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵

و با توجه به گستردگی کار و این نکته که در سطح شهرستان، بیش از ۱۱۲۳۳ نفر معادل ۳۹۰۱ خانوار تحت پوشش کمیته امداد بوده اند، لذا تنها بخشهای مرکزی و نوبندگان، از جمله در ۳۵ روستای نمونه‌ای که طرحهای خودکفایی در این روستا اجرا شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین، بر این اساس ۱۲۶ خانوار که در بخش‌های مذکور طرح‌های خودکفایی برای آنها اجرا شده بود، مورد مطالعه قرار گرفت. سپس با مراجعه به خانوارهای روستایی، پرسشنامه‌هایی در اختیار آنها گذاشته شد و اقدام به پرکردن پرسشنامه گردید. پرسشنامه تهیه شده مشتمل بر بخشهای شخصی، الگوی مصرف کالاهای بادوام، و الگوی مصرف مواد غذایی می‌باشد که پس از تکمیل آنها، نتایج لازم استخراج گردد.

۵. متغیرهای مورد بررسی

متغیرهای مورد بررسی عبارتند از:

۱. متغیر وضعیت الگوی مصرف کالاهای مصرفی بادوام: این متغیر دربرگیرنده ۱۵ قلم کالا شامل رادیو، ضبط صوت، تلویزیون سیاه و سفید، تلویزیون رنگی، چرخ خیاطی، ماشین لباسشویی، اجاق گاز، یخچال، فریزر، جارو برقی، کولر، تلفن، دوچرخه، موتورسیکلت، ماشین سواری
۲. الگوی مصرف مواد غذایی: در این متغیر با استفاده از سبد خانوار چندین نوع مواد غذایی انتخاب، و وضعیت مصرف آن در خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) مورد مقایسه قرار گرفت که عبارتند از: انواع نان (شاخص هیدرات کربن) و همچنین انواع مواد پروتئینی اعم از حیوانی و گیاهی شامل گوشت قرمز، تخم مرغ، گوشت مرغ، گوشت ماهی، حبوبات، برنج، لبنیات (ماست، پنیر)، شیر، لبنیها (روغن‌ها و چربیها)، سلولزها (میوه‌ها و سبزیجات) که میزان مصرف آن در خانوارهای تحت پوشش در قبل و بعد از اجرای طرح‌ها، مقایسه شد.

۶. الگوی مصرف

۶-۱. وضعیت استفاده از کالاهای مصرفی بادوام

الگوی استفاده از کالاهای مصرفی بادوام و تغییرات آن می‌تواند تابع میزان درآمد و افزایش آن در یک مقطع زمانی باشد. بدان معنا که با افزایش درآمد و ایجاد درآمد جدید، الگوی استفاده از کالاهای مصرفی بادوام نیز دچار تغییرات اساسی خواهد شد. با چنین فرضی به نظر می‌رسد که اجرای طرحهای خودکفایی در نواحی روستایی، با به وجود آوردن فرصتهای شغلی جدید و ایجاد درآمد می‌تواند بطور نسبی تاثیرات قابل قبولی در خرید کالاهای مصرفی بادوام در سطح خانوارهایی که طرحهای خودکفایی برای آنها اجرا شده‌است، را داشته باشد. با بررسی ۱۵ کالای مصرفی بادوام در سطح ۱۲۶ خانوار و با تبیین کدهای (۰) به معنای نداشتن کالا و (۱) به معنای وجود کالاهای مورد نظر، اقدام به شناسایی کالاهای مصرفی بادوام در سطح خانوارهای شاغل در طرحهای خودکفایی گردید که نتایج آن نشان می‌دهد در دو دوره زمانی قبل و بعد از اجرای طرحها، الگوی کالاهای مصرفی بادوام دچار تغییرات زیر شده است.

جدول ۳ - تغییرات میانگین کالاهای مصرفی بادوام در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی

| (A)-(B) | بعد از اجرای طرح | | قبل از اجرای طرح | | اقلام مصرفی |
|---------|------------------|-------------|------------------|-------------|----------------------|
| | انحراف معیار | میانگین (A) | انحراف معیار | میانگین (B) | |
| ۰/۰۴۷۶ | ۰/۲۴ | ۰/۰۶۳۵ | ۰/۱۳ | ۰/۰۱۵۹ | فریزر |
| ۰/۰۶۸۳ | ۰/۳۱ | ۰/۱۰ | ۰/۱۸ | ۰/۰۳۱۷ | تلویزیون رنگی |
| ۰/۰۴۷۶ | ۰/۲۴ | ۰/۰۶۳۵ | ۰/۱۳ | ۰/۰۱۵۹ | تلفن |
| - | - | - | - | - | جاروبرقی |
| ۰/۱۵۲۰۶ | ۰/۳۷ | ۰/۱۶ | ۰/۲۷ | ۰/۰۰۷۹۴ | موتورسیکلت |
| ۰/۰۳۱۷ | ۰/۲۱ | ۰/۰۴۷۶ | ۰/۱۳ | ۰/۰۱۵۹ | دوچرخه |
| - | - | - | - | - | ماشین لباسشویی |
| ۰/۱۳ | ۰/۵۰ | ۰/۵۲ | ۰/۴۹ | ۰/۳۹ | رادیو |
| ۰/۱۵ | ۰/۴۷ | ۰/۳۴ | ۰/۴۰ | ۰/۱۹ | ضبط |
| ۰/۰۸ | ۰/۴۳ | ۰/۲۴ | ۰/۳۷ | ۰/۱۹ | چرخ خیاطی |
| ۰/۲ | ۰/۴۹ | ۰/۶۰ | ۰/۴۹ | ۰/۴۰ | تلویزیون سیاه و سفید |
| ۰/۱۸ | ۰/۴۴ | ۰/۷۴ | ۰/۵۰ | ۰/۵۶ | اجاق گاز |
| ۰/۳۱ | ۰/۴۶ | ۰/۷۱ | ۰/۴۹ | ۰/۴۰ | یخچال |
| ۰/۰۳۱۷ | ۰/۱۸ | ۰/۰۳۱۷ | ۰ | ۰ | کولر |

میانگین کدهای محاسبه شده در جدول (۳) بیانگر آن است که اقلامی مانند فریزر، تلویزیون رنگی، تلفن، موتورسیکلت، دوچرخه، رادیو، ضبط، چرخ خیاطی، تلویزیون سیاه و سفید، اجاق گاز، یخچال، کولر، دارای افزایش میانگین بوده‌اند که بالاترین میزان افزایش میانگین متعلق به یخچال؛ کولر و تلفن بوده‌است و جاروبرقی و ماشین لباسشویی فاقد هرگونه تغییر میانگین در قبل و بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی بوده‌اند.

۶-۲. آزمون فرضیه

به منظور تبیین فرضیه آزمون همانندی دو نمونه اسمی وابسته بر حسب متغیرهای دوجوابی معرفی شده با کدهای (صفر) و (یک)، تکنیک مک نمار در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح های خودکفایی بکار گرفته شد.

فرضیه H_0 عبارت از آن است که تعداد اقلام کالاهای مصرفی بادوام در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح های خودکفایی کمیته امداد بیشتر از قبل از آن بوده است. نتایج به دست آمده از آزمون مک نمار نشان می دهد که میزان احتمال محاسبه شده، از آنجایی که کوچکتر از ناحیه در سطح $\alpha = 0/05$ است، می توان فرض H_0 را رد نمود و خلاف آن را پذیرفت که طرحهای خودکفایی کمیته امداد اجرا شده در نواحی روستایی بخشهای مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا در سطح خانوارهای مجری طرح موجب افزایش اقلام مصرفی بادوام شده است. پس می توان نتیجه گرفت که طرحهای خودکفایی کمیته امداد باعث افزایش درآمد روستاییان بخشهای مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا شده است.

جدول ۴ - آزمون تغییر در استفاده از اقلام مصرفی بادوام در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحهای خودکفایی از طریق مقایسه میانگینها

| | | | |
|--------|------|--------|------------------|
| نداشتن | وجود | کد | قبل از اجرای طرح |
| ۱۹ | ۲۷۸ | وجود | |
| ۱۰۴۷ | ۱۷۸ | نداشتن | |

| | |
|-------|--------------|
| ۱۵۱۲ | جمع موارد : |
| ۰/۰۰۰ | سطح معناداری |

نتایج نشان می دهد که با آزمون معناداری تفاوت در هر یک از اقلام مصرفی و با احتساب کدهای (صفر) و (یک) در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح و با منظور نمودن

آماره آزمون مک نماز، تفاوت‌های قابل توجهی قابل مشاهده است. چنانچه از جدول (۵) استنباط می‌شود، مهمترین سطح تفاوت در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی در خرید اقلامی مانند رادیو، اجاق گاز، یخچال، ضبط، دیده می‌شود.

جدول ۵- آزمون تغییرات موردی اقلام مصرفی بادوام در دوره قبل و بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی

| سطح معناداری | احتمال محاسبه شده | اقلام مصرفی |
|--------------|-------------------|----------------------|
| ----- | ۰/۱۲۵ | دوچرخه |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | اجاق گاز |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۳۱ | فریزر |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | یخچال |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۱۳ | چرخ خیاطی |
| ----- | ----- | جاروبرقی |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | رادیو |
| ۰/۵ | ۰/۰۰۰ | ضبط |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۳۱ | تلفن |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۰۰ | تلویزیون سیاه و سفید |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۰۴ | تلویزیون رنگی |
| ----- | ----- | ماشین لباسشویی |
| ۰/۰۵ | ۰/۰۱۳ | موتور سیکلت |
| ----- | ۰/۱۲۵ | کولر |

اگرچه اقلامی مانند چرخ خیاطی، تلفن و موتور سیکلت نیز دارای تغییرات معناداری در سطح احتمال ۰/۰۵ می‌باشند، کالاهای مصرفی بادوامی مانند جاروبرقی، ماشین

لباسشویی، دوچرخه، کولر، دارای تفاوت معناداری نیستند و اقلام بادوامی مانند جاروبرقی، ماشین لباسشویی در هیچ یک از خانوارهای نمونه مشاهده نشده است.

۷. الگوی مصرف مواد غذایی

تندرستی و سلامتی کامل یک جامعه، به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه، بیش از گذشته مورد توجه است. حصول به امنیت غذایی که به عنوان یکی از ارکان توسعه پایدار، مطرح است از مهمترین عوامل تندرستی و سلامت یک جامعه محسوب می‌شود. اگرچه عوامل متعددی مانند توارث، آب و هوا، بهداشت و تحرک، در سلامتی مؤثر واقع می‌شوند، اما بی‌تردید تغذیه مناسب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و توسط تحقیقی که در سال ۱۹۲۰ توسط رابرت مک کارینسن^{۱۴}، انجام شد، به اثبات رسیده است. این دانشمندان نژادهای مختلفی را که در سرزمین پهناور هند زندگی می‌کردند را مورد مطالعه قرار داد و پی برد که تفاوت جسمانی این گروهها، به نوع غذایی ارتباط دارد که مصرف می‌کنند.

شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر یک از جوامع، ابعاد متفاوت ترکیب غذایی مناسب را به نمایش می‌گذارد. حضور کربوهیدراتها، پروتئین‌ها و چربیها و مقادیر مصرفی آن، مصادیقی برای الگوی مناسب غذایی در هر جامعه محسوب می‌شوند. کربوهیدراتها، در بیشتر رژیم‌ها درصد بیشتری از نیاز به انرژی را فراهم می‌سازند. در رژیمهای افراد مرفه این میزان به ۴۰ درصد انرژی و در رژیمهای افراد فقیر ۹۰ درصد انرژی از این منبع غذایی تامین می‌شود. در جوامع کشاورزی، غلات مهمترین کربوهیدرات مصرفی بوده و در جوامع صنعتی، قند و شکر کربوهیدرات مصرفی عمده محسوب می‌شوند.^{۱۵}

در رژیمهای غذایی متعادل، پروتئین‌ها ۱۰ تا ۱۵ درصد انرژی را تامین می‌کنند، به طوری که برای یک فرد سالم حداقل یک گرم پروتئین قابل جذب به ازای هر کیلوگرم وزن بدن لازم است. تامین پروتئین که به دو صورت حیوانی و گیاهی برای بدن قابل جذب

14. Robert McCarrison

۱۵. حسن محمدیها، اصول تغذیه و مواد غذایی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص. مقدمه

است در اقلامی مانند تخم مرغ، شیر، ماهی، گوشت، عدس، برنج، نخود و گندم کامل قابل دسترسی است. مقدار پروتئین لازم در جیره غذایی افراد متفاوت بوده و بین ۴۰ تا ۶۰ گرم در روز متفاوت است.

چربیها یا لیپیدها نیز از مهمترین اقلام مصرفی جهت بر خورداری از تغذیه سالم محسوب می شوند. این گروه منبع مناسب و فشرده ای از انرژی برای انسان محسوب می شوند. چربیها، به دلیل انرژی زایی مناسب از اهمیت قابل توجهی برخوردارند، به طوری که ارزش انرژی زایی چربیها بیش از دو برابر قند و پروتئین است. در شرایط عادی تغذیه، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کالری مورد نیاز روزانه از چربیها تامین می گردد. لذا جهت یک جیره ۳۰۰۰ کالری، حدود ۶۶ تا ۸۳ گرم چربی مورد احتیاج خواهد بود. کره، لبنیات، گوشتهای چرب و انواع روغنهای گیاهی و حیوانی از مهمترین اقلام غذایی دارای چربی محسوب می شوند. بدین ترتیب، با ترکیب مناسبی از کربوهیدراتها، پروتئین ها و چربیها، لازم است ۲۴۰۰ تا ۴۰۰۰ کالری برای هر فرد به طور روزانه تامین شود تا جامعه از نظر تغذیه در شرایط مطلوبی قرار گیرد.

به منظور بررسی تاثیرات طرح های خود کفایی کمیته امداد در توسعه روستایی و پیامدهای اشتغال زایی و امنیت غذایی، اقدام به تحلیل الگوی مصرف مواد غذایی در سطح شاغلین روستایی در چارچوب طرح ها در دو بعد کمی و کیفی گردیده است. با طبقه بندی اقلام مصرفی در سه رده کربوهیدراتها، پروتئینها و چربیها و تعیین مصادیق بارز هر یک شامل مصرف انواع نان، گوشت قرمز، گوشت سفید شامل مرغ و ماهی، تخم مرغ، برنج، روغنهای حیوانی و گیاهی، میوه و سبزیجات، حبوبات، قند و شکر، لبنیات و شیر در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح، به تحلیل الگوی مصرف آنان پرداخته شد. نتایج در ابعاد کیفی با سه گزینه زیاد (کد ۳) متوسط (کد ۲) و کم (کد ۱) در ۱۲ ماده غذایی مصرفی نشان می دهد که در دوره قبل از اجرای طرحها، ۸۲۳ مورد به گزینه کم پاسخ داده اند، ۳۱۲ مورد به گزینه متوسط و ۳۷۷ مورد به گزینه زیاد پاسخ داده اند. در صورتی که بعد از

اجرای طرح ۴۵۲ مورد به گزینه کم و ۵۹۶ مورد به گزینه متوسط و ۴۶۴ مورد به گزینه زیاد پاسخ داده‌اند.

جدول ۶- تغییرات الگوی مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی

| مؤلفه ها | کم | متوسط | زیاد | میانگین | انحراف معیار |
|----------------------|------|-------|------|---------|--------------|
| قبل از اجرای طرح (B) | ۸۲۳ | ۳۱۲ | ۳۷۷ | ۱/۷۰۷ | ۰/۷۱۲ |
| بعد از اجرای طرح (A) | ۴۵۲ | ۵۹۶ | ۴۶۴ | ۲/۰۰۸ | ۰/۶۲۸ |
| (A)-(b) | -۳۷۱ | ۲۸۴ | ۸۷ | ۰/۳۰۱ | -۰/۰۸۴ |

گرایش نسبی میانگین رتبه ای از ۱/۷۰۷ به ۲/۰۰۸، شرایط نسبتاً مطلوب‌تری را نسبت به دوره قبل نشان می‌دهد.

جدول ۷- تغییرات میانگین رتبه‌ای مصرف اقلام غذایی در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی

| (A)-(B) | بعد از اجرای طرح‌های خودکفایی | | قبل از اجرای طرح‌های خودکفایی | | اقلام مصرفی مورد غذایی |
|---------|-------------------------------|-------------|-------------------------------|-------------|------------------------|
| | انحراف معیار | میانگین (A) | انحراف معیار | میانگین (B) | |
| | | | | | |
| ۰/۲۵ | ۰/۶۲ | ۲/۴۸ | ۰/۸۹ | ۲/۱۷ | نان |
| ۰/۲۵ | ۰/۶۵ | ۱/۶۵ | ۰/۶۶ | ۱/۴۰ | گوشت قرمز |
| ۰/۲۴ | ۱/۶۴ | ۱/۵۷ | ۰/۶۰ | ۱/۳۳ | گوشت مرغ |
| ۰/۰۵ | ۰/۲۶ | ۱/۰۶ | ۰/۰۸۹۱ | ۱/۰۱ | ماهی |

ادامه جدول ۷

| (A)-(B) | بعد از اجرای طرحهای خودکفایی | | قبل از اجرای طرحهای خودکفایی | | اقلام مصرفی مورد غذایی |
|---------|------------------------------|-------------|------------------------------|-------------|------------------------|
| | انحراف معیار | میانگین (A) | انحراف معیار | میانگین (B) | |
| ۰/۳۴ | ۰/۶۷ | ۲/۳۰ | ۰/۸۸ | ۱/۹۶ | تخم مرغ |
| ۰/۳۷ | ۰/۸۱ | ۲/۲۴ | ۰/۸۲ | ۱/۸۷ | برنج |
| ۰/۳۷ | ۰/۶۴ | ۲/۲۴ | ۰/۸۱ | ۱/۸۷ | روغن |
| ۰/۳۶ | ۰/۶۴ | ۱/۸۴ | ۰/۶۹ | ۱/۴۸ | میوه و سبزیجات |
| ۰/۲۶ | ۰/۶۸ | ۱/۷۸ | ۰/۷۲ | ۱/۵۲ | حیوانات |
| ۰/۲ | ۰/۵۶ | ۲/۷۱ | ۰/۸۰ | ۲/۵۱ | شکر |
| ۰/۴۶ | ۰/۶۹ | ۲/۳۹ | ۰/۸۸ | ۱/۹۳ | لبنیات |
| ۰/۴۶ | ۰/۶۹ | ۲/۳۹ | ۰/۷۱ | ۱/۴۴ | شیر |

بررسی موردی اقلام مواد غذایی مورد مصرف در سطح جامعه در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحها که در جدول (۷) نشان داده شد، دارای سطح تغییرات مثبت است. به طوری که در همه اقلام مصرفی دارای سطوح مثبت بیشتری می‌باشند که در این میان، ماهی، کمترین سطوح مثبت و لبنیات، بیشترین سطوح مثبت را به خود اختصاص داده است و مصرف لبنیات نیز نسبت به قبل از اجرای طرح افزایش یافته است. یکی از دلایل آن را می‌توان اجرای طرحهای گوسفنداری و گاوداری (دامپروری) دانست که بیشترین درصد فراوانی از طرحهای اجرا شده را به خود اختصاص داده‌اند. جهت تبیین میزان مصرف کالری روزانه در سطح خانوارهای مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) که طرحهای کمیته امداد برای آنها به اجرا درآمد، اقدام به محاسبه انرژی و ترکیبات غذایی مصرفی آنان بر حسب میزان سن، تعداد افراد تحت تکفل گردید. ارزش مواد مغذی از نظر ترکیبات کلی (کربوهیدرات، پروتئین، چربی، به طور تقریب از جداول مخصوص در

بعضی از غذاها استخراج گردیده است. برای مثال، صورت تقریب ارزش مواد غذایی بعضی از اقلام به شرح جدول (۸) نشان داده شده است.

جدول ۸- ارزش مواد غذایی به صورت تقریب در بعضی از غذاها

(گرم، درصد گرم مواد خوردنی)

| غذا | پروتئین | چربی | کربوهیدرات | انرژی |
|-----------|---------|-------|------------|-------|
| نان | ۸ | ۱/۵ | ۵۰ | ۲۵۰ |
| برنج پخته | ۴ | ۰/۵ | ۴۰ | ۱۸۰ |
| حبوبات | ۸ | ۰/۵ | ۲۰ | ۱۱۰ |
| میوه ها | ۱ | ۰/۵ | ۱۵ | ۷۰ |
| سبزیجات | ۱/۵ | جزیی | ۸/۵ | ۴۰ |
| گوشت قرمز | ۱۷ | ۱۰ | جزیی | ۱۷۰ |
| مرغ | ۲۲ | ۱۰ | جزیی | ۱۷۰ |
| ماهی | ۱۰ | ۱۰ | ۰/۵ | ۱۳۰ |
| شیر | ۴ | ۴ | ۴ | ۷۰ |
| تخم مرغ | ۱۲ | ۱۲ | جزیی | ۱۶۰ |
| کره | ۰/۵ | ۸۳ | ۳ | ۷۵۰ |
| لبنیات | ۲۴ | ۲۰ | ۲ | ۲۸۰ |
| قند و شکر | ----- | ----- | ۲۵ | ۱۰۰ |

ماخذ: مهدی طاهرخانی، نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی استان مرکزی، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس،

۱۳۷۹ ص ۲۳۷

بررسی ارقام مربوط به میزان مصرف مواد غذایی و میزان کالری در سطح خانوارهای روستایی مورد مطالعه، بیانگر آن است که الگوی مواد غذایی از طرحهای خودکفایی و بعد از اجرای طرحهای خودکفایی، دارای تغییرات مثبتی می باشد. همچنین، با توجه به اینکه بسیاری از طرحهای اجرا شده توسط کمیته امداد در ارتباط با مواد غذایی مصرفی خانوار می باشند، لذا، الگوی مصرف مواد غذایی حاصله از طرحهای فوق بهبود یافته است

اگرچه این باور مورد قبول است که تا رسیدن به یک امنیت غذایی قابل قبول و مطابق با استانداردهای جهانی، فاصله زیادی داریم.

جدول ۹- تغییرات رتبه‌ای مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحهای خودکفایی

| SIG | Z | رتبه های برابر | رتبه مثبت | رتبه منفی | غذا |
|-------|--------|-------------------|-----------|-----------|----------------|
| ۰/۰۰۰ | ۵-/۵۶۷ | ۸۳ | ۳ | ۴۰ | نان |
| ۰/۰۰۰ | ۴-/۷۰۸ | ۸۶ | ۴ | ۳۶ | گوشت قرمز |
| ۰/۰۰۰ | ۴-/۶۱۸ | ۸۷ | ۵ | ۳۴ | مرغ |
| ۰/۰۳۴ | ۲-/۱۲۱ | ۱۲۱ | ۰ | ۵ | ماهی |
| ۰/۰۰۰ | -۴/۹۷۳ | ۷۱ | ۷ | ۴۸ | تخم مرغ |
| ۰/۰۰۰ | ۹-/۶۸۷ | ۲ | ۱۲۲ | ۲ | شکر |
| ۰/۰۰۰ | -۵/۳۸۰ | ۶۴ | ۸ | ۵۴ | لبنیات |
| ۰/۰۰۰ | -۵/۳۵۷ | ۸۰ | ۳ | ۴۳ | شیر |
| ۰/۰۰۰ | -۵/۷۲۵ | ۷۷ | ۶ | ۴۵ | برنج |
| ۰/۰۰۰ | -۵/۴۶۸ | ۷۴ | ۶ | ۴۶ | روغن |
| ۰/۰۰۰ | -۶/۰۳ | ۷۷ | ۳ | ۴۶ | میوه و سبزیجات |
| ۰/۰۰۰ | -۴/۶۱۳ | ۸۱ | ۶ | ۳۹ | حبوبات |

۷-۱. آزمون فرضیه

برای آزمون دو معیار رتبه‌ای وابسته در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحهای خودکفایی کمیته امداد از آزمون فریدمن استفاده شد. آمار این آزمون متکی بر تفاوت‌های رتبه‌بندی شده میان معیارهای فاصله‌ای مربوط به عضوهای همسنگ دو

گروه است. این آزمون در مواردی که خصوصیات توزیع مورد نظر برای آزمون (t) وجود نداشته باشد، به جای آزمون مزبور بکار می رود.

تغییرات الگوی مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحهای خودکفایی، تابع فرضیه زیر بوده است:

H_0 : میزان مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرحها، دارای تفاوت معنادار نیستند.

H_1 : میزان مصرف مواد غذایی در دوره بعد از اجرای طرحها در مقایسه با قبل از آن دارای افزایش است.

نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن، نشان می دهد که میانگین رتبه‌ای میزان مصرف مواد غذایی در دوره قبل از اجرای طرحهای خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) $1/37$ ، و میانگین رتبه‌ای میزان مصرف مواد غذایی در دوره بعد از اجرای طرحهای خودکفایی، $1/63$ می باشد. نتیجه آماری آزمون نشان می دهد که چیدمان $323/860$ ، درجه آزادی ۱ و احتمال محاسبه شده $(0/000)$ می باشد و از آنجایی که احتمال محاسبه شده زیر سطح احتمال $0/05$ می باشد، بنابراین می توان با توجه به نمونه های مورد بررسی، H_0 را رد نمود و خلاف آن را پذیرفت که میزان مصرف مواد غذایی در دوره بعد از اجرای طرحهای خودکفایی کمیته امداد در مقایسه با دوره قبل از افزایش نسبی برخوردار بوده و از نظر آماری این تفاوت در مرز اهمیت $0/05$ معنادار است. این ویژگی در جدول (۱۰) نشان داده شده است.

جدول ۱۰- آزمون تغییرات میزان مصرف مواد غذایی در دو دوره قبل و بعد

از اجرای طرحهای خودکفایی

| میانگین رتبه ها | |
|-----------------|---|
| $1/37$ | میزان مصرف مواد غذایی در قبل از اجرای طرحها |
| $1/63$ | میزان مصرف مواد غذایی در بعد از اجرای طرحها |

آزمون فریدمن :

| | |
|------------|---------|
| N | ۱۵۱۲ |
| CHI-SQUARE | ۳۲۳/۸۶۰ |
| DF | ۱ |
| ASYMP.SIG | ۰/۰۰۰ |

جمع‌بندی و ملاحظات

مقاله با طرح این سوال انجام شد که آیا طرحهای اجرا شده کمیته امداد امام خمینی (ره) در روستاهای بخش مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا، باعث افزایش درآمد و امنیت غذایی شده است یا خیر. با توجه به اینکه مددجویان قبل از اجرای طرحهای اشتغال‌زایی منبع درآمدی نداشتند و اصولاً به لحاظ روانشناختی، در اظهار درآمد پنهان‌کاری داشتند، به ناچار این کاستی با شاخصهایی مانند وضعیت قبل و بعد از اجرای طرحها در مورد اقلام مصرفی بادوام، میزان گردید که نتیجه آن مثبت بود و در جدول (۳) قابل مشاهده است. شاخص دیگر در مورد وضعیت الگوی مواد غذایی بعد از اجرای طرحهای خودکفایی است که نشان دهنده مثبت بودن وضعیت مواد غذایی آنها در بعد از اجرای طرحها می‌باشد. بنابراین، فرضیه در مورد موثر بودن اقدامات کمیته امداد امام خمینی (ره) در مورد طرحهای خودکفایی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) تایید شد که در جدول (۱۰) نشان داده شده است. در واقع، می‌توان گفت که این نهاد از دیدگاه مددجویان با ایجاد طرحهای خودکفایی، ظرفیت لازم برای تاثیرگذاری در امنیت غذایی روستاییان را داشته است. به علاوه، از جمع‌بندی حاصل از سیاست‌ها، رویکردها و راهبرد اصلی امنیت غذایی پایدار می‌توان نتیجه گرفت که ضرورت حل این مشکل جهانی، منوط به داشتن نگرش اندام‌وار است که در چهار نظام فرعی تولید، تکنولوژی، بازاریابی، توزیع و مصرف و تغذیه شکل گرفته است. با چنین نگرشی که مبتنی بر اندیشه آینده‌نگری است، وجود یک برنامه ریزی

راهبردی و مدیریت تغییر که از عوامل مؤثر در بسترسازی، سرعت بخشی و نهادینه کردن اقدامات عمل سازمانهای حمایتی از جمله کمیته امداد امام خمینی (ره) است، را اجتناب ناپذیر می‌سازد.

پیشنهادهای قابل‌ارایه در این زمینه، به شرح زیر می‌باشند:

۱. تامین امنیت غذایی برای آحاد افراد جامعه، به عنوان هدفی مهم هم در متون توسعه و هم در سیاستهای دولتها مطرح شده است. در این راستا سیاستهای صحیح، عبارت از سیاستهایی خواهند بود که در چارچوب رویکردهای توسعه پایدار و نیازهای اساسی و در قالب یک برنامه راهبردی امنیت غذایی تدوین و اجرا شود، و نه در چارچوب رویکردهای پولی و طرف‌عرضه که حل مشکل امنیت غذایی را به دوره زمانی بلندمدت واگذار می‌کنند. از این رو، تصحیح شرایط اولیه، به ویژه در بخش کشاورزی که به توزیع ناعادلانه داراییهای ثابت منجر شده است، به علاوه انباشت سرمایه باید در امور زیربنایی مورد توجه قرار گیرد.

۲. جهت جلوگیری از افزایش فقر غذایی در خانوارهای آسیب پذیر، دولت نه تنها باید حد امکان مخارج بهداشتی - درمانی، آنان را تامین کند، بلکه از طریق استمرار پرداخت یارانه و سایر اشکال حمایت، باید آنان را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد.

۳. بهبود سیاستهای کلان اقتصادی در بخش کشاورزی به نحوی که موجب تحولات

زیر شود:

الف. زمینه سازی جهت تحولات تکنولوژیک سریع

ب. بهبود مدیریت منابع طبیعی

پ. بهبود حمایت از تولیدکنندگان محصولات غذایی و گسترش و استمرار و تقویت

تامین اجتماعی

ت. تنوع بخشی به اشتغال در روستاها به ویژه در فعالیتهای غیر کشاورزی

ث. ساماندهی بهینه نظام تنظیم بازار محصولات و فرآورده‌های محصولات کشاورزی
ج. تقویت انگیزه‌ها و جذابیت سرمایه، نیروی انسانی در بخش کشاورزی به ویژه در روستاها

چ. ساماندهی مدیریت نظام اطلاع رسانی در بخش کشاورزی به ویژه در روستاها
ح. ساماندهی پراکنش اراضی کشاورزی و حمایت از طرح جامع یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی

خ. تقویت و گسترش نظام تحقیق، آموزش و ترویج در بخش کشاورزی
د. تقویت و گسترش فرهنگ تغذیه

ذ. تقویت فرهنگ بهره‌وری در سرمایه و عوامل تولید در بخش کشاورزی^{۱۶}

ر. تقویت فرهنگ چرای بهینه برای تعادل بخشی به ترکیب جمعیت متعادل دام و مراتع

ز. تقویت تشکلهای تولیدی کشاورزی و خدمات مشاوره‌ای

ژ. تقویت افزایش قدرت خرید پایین‌ترین گروههای درآمدی

س. تقویت و گسترش ذخیره سازی از طریق بهسازی سیلوهای روستایی

۴. اتخاذ راهبرد امنیت غذایی به همراه برنامه جامع توسعه روستایی

۵. تقویت برنامه‌ریزی منطقه‌ای

۶. تقویت مدیریت خدمات پس از برداشت جهت جلوگیری از ضایعات

این نوع مدیریت در کشور ما از نارسایی ساختاری برخوردار است به طوری که یکی از مشکلات در زمینه عرضه مواد غذایی کشور، بالابودن ضایعات محصولات کشاورزی و مواد غذایی است. بر اساس برآورد کارشناسان هر سال ۱۵-۱۰ درصد تولید گندم بر اثر عدم رعایت اصول صحیح در مرحله برداشت تا زمان پایان تهیه آرد از بین می‌رود. همچنین

۱۶. دینی، علی. بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران. مقاله ارایه شده در سمینار فقرو فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ (منتشر شده در: تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۶).

۳۰ درصد از نان مصرفی کشور عملاً به دلایل مختلف تلف گردیده و به مصرف غذایی مردم نمی‌رسد. مطالعات انجام شده (مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۴ و موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی ۱۳۷۶) نشان می‌دهد که طی سالهای برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) میزان انرژی هدر رفته در اثر ضایعات مواد غذایی حدود ۳۰۰ کیلو کالری می‌باشد. به عبارت دیگر، این میزان انرژی در اثر ضایعات مواد غذایی و نبودن امکانات نگهداری و فرآورده‌سازی از چرخه مصرف خارج شده است که حدوداً معادل ۱۰ درصد انرژی عرضه شده باشد.

به عبارت دیگر، هر چند از دیدگاه کل عرضه، جامعه ما با مشکلات کمبود عرضه کالری مواجه نیست (۱۳۰ تا ۱۴۵ درصد نیاز تامین می‌شود) ولی بررسی‌های انجام شده در خصوص امنیت غذایی خانوار از قبیل بررسی‌های مستقیم مصرف مواد غذایی و بررسی‌های بودجه و هزینه خانوار، متوسط مصرف سرانه برخی مواد غذایی و انرژی در سطح خانوار را به میزان قابل توجهی کمتر از مقدار مصرف سرانه از دیدگاه کلان نشان می‌دهد و این اختلاف در ۱۷/۶ درصد از پایین‌ترین گروه‌های درآمدی کشور مشاهده می‌شود.

این مساله از یکسو نشان دهنده ضایعات بالای مواد غذایی در مراحل انبارداری، توزیع و نگهداری، آماده کردن و پخت در منزل و مصرف غذا در خانه می‌باشد (حدود ۳۰-۲۵ درصد، جدول ۱۱).

جدول ۱۱- انرژی هدر رفته از طریق ضایعات مواد غذایی طی سالهای برنامه اول (۲۲-۱۳۶۸)

| سال | ۱۳۶۸ | ۱۳۶۹ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۲ |
|---|------|------|------|------|------|
| انرژی حاصل از ضایعات مواد غذایی (کیلوکالری) | ۲۸۲ | ۲۹۰ | ۲۹۵ | ۳۰۳ | ۳۱۹ |

ماخذ: مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۷۴

از علل دیگر وجود اختلاف بین مقادیر مربوط به مصرف سرانه از دیدگاه کلان و مصرف سرانه از دیدگاه خانوار، می توان به نابرابریهای الگوی توزیع درآمد اقشار جامعه و همچنین تفاوت مصرف در مناطق مختلف جغرافیایی اشاره نمود.

نکته دیگر در خور توجه، پرمصرفی و یا مصرف بیش از حد نیاز انرژی، چربی و مواد غذایی حیوانی در طبقات مرفه و بالاخص در شهرها است. بی تردید، ایجاد آگاهی تغذیه ای و بهداشتی در جامعه و آشنا کردن طبقه مرفه با خطراتی که از این طریق سلامت آنها را تهدید می کند، سیر نزولی مصرف را در این طبقه تسریع خواهد کرد و این عامل در ایجاد تعادل بهتر میان عرضه و مصرف نقش خواهد داشت.

در نهایت، باید توجه داشت که اطمینان از کفایت عرضه مواد غذایی، اگرچه شرط لازم برای دستیابی به امنیت غذایی است اما شرط کافی نیست، ارزیابی امنیت غذایی در سطح خانوار و فرد نیز ضروری است.

۷. نگرش اندام وار و فرابخشی به امنیت غذایی در برنامه ریزی و اجرا:

به علت چند بخشی و چند رشته ای بودن مساله غذا و تغذیه و وابستگی آن به سیاستهای اقتصادی، تولید، تجارت خارجی (واردات و صادرات)، جمعیت، درآمد ملی و قیمتها، سازمان و یا بخش مشخصی متولی سیاستگزاری، برنامه ریزی، پیگیری اجرایی و نظارت بر آن نمی باشد. هر یک از بخش ها و دستگاههای اجرایی کشور به طور مجزا و بدون ارتباط با یکدیگر، قسمتی از ابعاد مربوط به سیستم غذا و تغذیه را به عهده دارند، شواهد و مدارک

حاکمی از آن است که فعالیتهای وزارتخانه‌های مختلف، هر یک به تنهایی جوابگوی این مشکلات نیست و در برنامه‌ریزی بخش‌ها، هدفهای تغذیه‌ای به صورت مستقیم مطرح نبوده و به علاوه مکانیسم‌های موثر اجرایی، ارزشیابی و هماهنگی درون‌بخشی و میان‌بخشی موجود نیست. بنا به دلایل پیش گفته، نظر به اینکه برنامه غذا و تغذیه در کشور برنامه‌هایی فراگیر هم از دیدگاه مرتبط شدن با بخشهای مختلف فعالیت و هم از دیدگاه پوشش جمعیتی و جغرافیایی می‌باشد لذا در نخستین گام، ضرورت تدوین سیاستها و برنامه‌های جامع امنیت غذایی احساس می‌شود.

منابع

۱. حسن، حسینی فسایی میرزا. فارسانه ناصری، مترجم: منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲. سرشماری عمومی و نفوس مسکن، نتایج تفصیلی، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
۳. دینی، علی. بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
۴. جینفرا، الیموت. مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: عبدالرضارکن‌الدین افتخاری و حسین رحیمی، تهران، انتشارات توسعه روستایی، ۱۳۷۸.
۵. شناسنامه آبادیهای کشور، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان فسا، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
۶. طاهرخانی مهدی. نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی استان مرکزی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
۷. محمدیها، حسن. اصول تغذیه و مواد غذایی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
8. IFAD (1993), **The State of World Rural Poverty**; Rome, Italy, International Fund for Agricultural Development, p.4
9. Fiuwaki Waqalala (1998), **Food Security** ; Japan, PP, 14-25
- 10 . R. Srinivasan (1998), **Food Security in India**; India, Planning Comminssion, PP,9-18
11. Gyu- Cheonlee (1998), , **Issues on Food Security in Korea**, Korea, Soul, Korea : Rural Economic Institute, PP.9-13
12. Zulkigli Ali (1998); **The Situation of Food Security in Inodesia**, Japan, : Tlkyo, PP, 8-134
13. Fadzim Othman (1998), **Food Security in Malaysia**, Malaysia, Kualaumpur, University of Malaya,: PP, 9-18
14. P.K. Acharya (1998), **Food Security in Nepal**; Nepad, Minstry of Supplies & Food Corporation, PP, 8-12-

15. Muhammad Azam Khan (1998), Food Security in Pakistan; Pakistan, Rawalpindi; University of Agriculture, PP, 8-34.
16. Jessup.Navarro (1998), Food Security Policies in the Philippines, Japan, Tokyo; PP,1-18.
17. Nandoni D. Ediriweera, (1998), Food Security Situation in Srilanka, Ceylon Institute of scientific & Industrial Research, PP, 24-30.
18. Warunee Varayanond (1998), Thailand: The Food Security Challenge, Thailand, Bangkok, KasartUniversity, PP, 4-16.
19. Tran Dinh Hien (1998), Food Security in Vietnam, Vietnam, Central Economic Commission, Pp.2-17.
20. Mitsuhiro Nakagaw (1990), Prospects for Improved Food Production & Distribution, Tokyo, Departement of Fereign Agriculture National Research of Agriculture Economics, PP-1-10